

مرور مطالعات در خصوص نمایندگی و نقش سازمان‌های غیردولتی در امور بین‌المللی

مصطفی شیخ^۱

چکیده

حداقل در حالت ایده‌آل، عدم دریافت سود از دولت است و با پیگیری در اغلب موارد اهداف به خوبی تعریف شده است، مانند، سازمان‌های غیردولتی محیط زیست و حقوق بشر. البته ذکر این نکته الزامی است که در کشور ما برخی سازمان‌ها از جمله محیط زیست نهادهای دولتی می‌باشند.

تعداد سازمان‌های غیردولتی هر روز افزایش می‌یابد و نمی‌توان دقیقاً گفت که تعداد آنها چه اندازه است. رشد آنها به‌ویژه از نظر بین‌المللی شدن، و راه‌هایی که این سازمان‌ها در کنار دولت - ملت‌ها به بازیگران برجسته و اثرگذار در تعیین استانداردهای بین‌المللی تبدیل شده‌اند قابل توجه است (هولزشایتر^۲، ۲۰۱۵: ۲۷). از نظر بهداشت، آموزش، توسعه اجتماعی و اقتصادی جوامع فقیر، روستایی و شهری، سازمان‌های غیردولتی مجموعاً اقدامات بیشتری را نسبت به چندین آژانس سازمان ملل متحد و در برخی کشورها بیشتر از دولت‌های مربوطه خود انجام داده‌اند. این را می‌توان برای مثال در عملیات‌های بشردوستانه مشاهده کرد، جایی که اغلب می‌توان نمایندگان سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های حقوق بشر، سازمان‌های مذهبی و پناهندگان را بیشتر از نمایندگان دولت‌ها یافت.

در برخی زمینه‌ها، رشد سازمان‌های غیردولتی، منوط به افزایش تأثیری است که می‌توانند بر دولت‌ها اعمال کنند. آنها اغلب در مذاکراتی در طیف گسترده‌ای از موافقت‌نامه‌های بین‌المللی با موضوعاتی که مورد توجه جامعه جهانی است، (مانند محیط زیست، بهداشت عمومی و مسائل حقوق بشر و...) ترویج و شرکت می‌کنند. به‌عنوان مثال، در زمینه حقوق بشر و قوانین بشردوستانه سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در تهیه پیشنهادات، ترویج و

سازمان‌های غیردولتی نقش مهمی در سناریوهای جهانی ایفا کرده‌اند. اگرچه سازمان‌های غیردولتی توانایی قانونی برای انعقاد معاهدات بین‌المللی ندارند، اما می‌توانند بر روابط بین‌المللی تأثیر گذارند. آن‌ها با اعمال و عملکرد خود خلأهای دولت‌های مدرن را در بازنمایی آرمان‌های جامعه و تامین منافع آن پر می‌کنند. رشد تعداد سازمان‌های غیردولتی نشان می‌دهد که اهمیت، نفوذ، نمایندگی و مشارکت آن‌ها در جامعه بین‌المللی ضروری است، زیرا می‌توانند بین دولت‌ها و جامعه پیوند برقرار کنند. این مقاله با تکیه بر یک چارچوب نظری مختصر و خاص، توضیحی درباره سازمان‌های غیردولتی، جایگاه و نقش آن‌ها در حقوق بین‌الملل ارائه می‌کند و با تحلیل نمونه‌هایی از جمله کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع مین و اساسنامه رم امکانی تأمل برانگیز از تأثیر آن‌ها بر انعقاد معاهدات بین‌المللی فراهم می‌شود.

واژگان کلیدی: سازمان‌های غیردولتی؛ معاهدات بین‌المللی؛ کنوانسیون حقوق کودک؛ کنوانسیون منع مین؛ اساسنامه رم.

مقدمه

سازمان‌های غیردولتی^۲ (NGO، سازمان‌های مردم نهاد یا سَمَن) بازیگرانی هستند که فعالیت‌های خود را مستقل از دولت توسعه می‌دهند و می‌توانند افکار عمومی را به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهند. آنها به‌طور فزاینده‌ای حوزه فعالیت‌های خود از جمله شرکت در کنفرانس‌های بین‌المللی مختلف را گسترش داده‌اند. اساساً مشخصه آن‌ها مستقل بودن از دولت است، یا

۱. کارشناس ارشد آمار، دانشگاه آزاد تهران شمال، کارشناس مسئول ساختارهای سازمانی و تدوین شرح وظایف وزارت آموزش و پرورش.

Sheykh.Mostafa@yahoo.com

2. Non-governmental Organization

3. Holzscheiter

که هر شخص برای اجرای نظم در بخشی از یک قانون مشخص، دارای حقوق و تکالیفی است که این امر موجب می‌شود فرد منتسب در امور بین‌المللی، دریافت‌کننده معیارهای حقوقی بین‌المللی باشد (ملو، سلسو د آلبوکرک؛ ۲۰۰۲: ۵۵).

علاوه بر دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی نیز به‌عنوان اشخاص بین‌المللی که قادر به داشتن حقوق و تعهدات در نظم بین‌المللی هستند، پذیرفته می‌شوند، مانند سازمان ملل متحد، سازمان کشورهای آمریکایی (OAS)، اتحادیه اروپا و غیره. این سازمان‌های بین‌المللی برای انجام وظایف خود باید دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی نیز باشند.

از نظر تاریخی، سازمان‌های غیردولتی نقطه شروع فعالیت خود را پایان جنگ جهانی اول می‌دانند. از آن زمان، آنها فضای بیشتری را در سناریوی جهانی به‌دست آورده‌اند، زیرا از طریق اقدامات خود بر بسیاری از مذاکرات مرتبط با موضوعات مختلف تأثیر گذاشته‌اند (مارتنز، ۲۰۰۲: ۲۷۱ و ۲۷۲). نکته حائز اهمیت این است که این سازمان‌ها بخشی از ساختار دولت نیستند؛ اما نقش بسیار مهمی به‌عنوان واسطه بین مردم و حاکمیت و حتی خود جامعه ایفا می‌کنند و به‌طور معمول بودجه این سازمان‌ها از راه کمک‌های مردمی و در مواردی نیز با کمک سازمان‌های دولتی، خود دولت یا ترکیبی از این روش‌ها و در قالب پروژه‌های مشترک تأمین می‌شود.

ایجاد حمایت توسط دولت‌ها از برخی موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، مانند کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حمایت از حقوق کودکان، ایفا کرده‌اند. معاهده‌هایی مانند کنوانسیون منع مین (معاهده اتاوا) و دیوان کیفری بین‌المللی طبق اساسنامه رم (کراولی، مایکل و پرسبو، آندریاس، ۲۰۰۶: ۲۲۵ و ۲۲۶).

این مقاله ضمن درک اهمیت یک مطالعه جامع در مورد مشارکت سازمان‌های غیردولتی در متنوع‌ترین اشکال همکاری بین‌المللی، با بررسی ادبیات مربوطه و موارد موردی، تأملی محدودتر در مورد چگونگی تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر قوانین بین‌المللی، به‌ویژه معاهدات بین‌المللی پیشنهاد می‌کند. برای دستیابی به این هدف، توضیح مختصری در مورد سازمان‌های غیردولتی و وضعیت آنها در حقوق بین‌الملل و سپس توضیحی در مورد چگونگی تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر انعقاد معاهدات بین‌المللی ارائه خواهد شد. نتایج مطالعه با ارائه سه مورد عملی تأیید می‌شود: کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع مین و اساسنامه رم.

۱. سازمان‌های غیردولتی

اگرچه دولت‌ها تنها نهادهایی نیستند که دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند، اما نهادهای اصلی حقوق بین‌الملل و همچنین رؤسای اصلی و بنیان‌گذاران جامعه بین‌المللی هستند (کاسسی، ۲۰۰۵: ۷۱). همچنین مبحث قانون در علم حقوق بیان می‌کند

۱. در هنگام جنگ جهانی دوم برای نخستین بار از مین استفاده شد. در سال ۱۹۷۷ میلادی بندی به کنوانسیون ژنو افزوده شد که از کاربرد مین برای کشتن غیرنظامیان جلوگیری می‌کرد. در این پیمان کشورهای عضو بر منع به‌کارگیری مین‌های ضد نفر، انهدام ذخایر مین‌های ضد نفر، جلوگیری از گسترش، تولید، فروش یا جابجایی مستقیم و غیرمستقیم به دیگر کشورها تأکید کردند. معاهده اتاوا مین‌های ضد تانک که دارای قدرت انفجاری بیشتری هستند را شامل تحریم‌ها نمی‌داند. سرانجام در دسامبر ۱۹۷۷ در شهر اتاوا کانادا گرد هم آمدند و مواردی را به تصویب رساندند که به پیمان اتاوا معروف شد.

2. Rome Statute of the International Criminal Court

دادگاه دائمی بین‌المللی رسیدگی به جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی در نقاط مختلف جهان که در اول نوامبر ۲۰۰۲ به تصویب رسید و اجرایی شد و تا نوامبر ۲۰۱۹ قریب به ۱۲۳ کشور اساسنامه رم که مبنای دیوان کیفری بین‌المللی است را امضاء کرده‌اند.

3. Crowley, Michael and Persbo, Andreas

4. Cassese

5. Mello

6. Celso de Albuquerque

7. Organization of American States

یک سازمان منطقه‌ای است که در ۱۹۴۸ پایه‌ریزی شد. این سازمان ۳۵ عضو دارد و در واشنگتن دی سی مستقر است.

8. Martens

یک اقدام رسمی بین دولت‌های مستقل ایجاد می‌شود و دارای سه عنصر است: الف. ایجاد آن باید توسط یک توافق بین‌المللی انجام شود. ب. حداقل یک نهاد تصمیم‌گیری با اراده جمعی متفاوت از اراده کشورهای عضو داشته باشد و ج. نهادی باشد که براساس قوانین حقوق بین‌الملل عمومی ساخته شده است (سوارس، گیدو فرناندو سیلوو^۱، ۲۰۱۱: ۲۲). به گفته نوربرتو بایو^۲ (۲۰۰۷: ۸۵)، این واقعیت که سازمان‌های بین‌المللی باید با توافق بین موضوعات حقوق بین‌الملل ایجاد شوند، به خودی خود، گنجانیدن سایر اشکال انجمن‌هایی که توسط قوانین حقوقی بین‌المللی تشکیل نشده‌اند (که معمولاً سازمان‌های غیردولتی نامیده می‌شوند)، را در مفهوم فوق مستثنی می‌کند (همچنین به تعریف بالا مراجعه کنید).

دو مسیر عمده در تفسیر سازمان‌های غیردولتی قابل تشخیص است: یکی رویکرد جامعه‌شناختی و دیگری رویکرد حقوقی. اولین مورد مبتنی بر مطالعات بازیگران اجتماعی است و سعی می‌کند با بررسی ترکیب و عملکرد سازمان‌های غیردولتی در حوزه فراملی، این اصطلاح را به تصویر بکشد. از سوی دیگر، رویکرد حقوقی بر وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی در زمینه ملی و نیز پیامدهای آن برای حقوق بین‌الملل تأکید می‌کند (مارتینز، ۲۰۰۳: ۱۹). اگرچه دولت‌ها با تنظیم کنوانسیون‌ها و معاهدات سعی در تنظیم و تعریف روابط مهم در زمینه بین‌المللی داشته‌اند. سازمان‌های غیردولتی، هنوز توسط دولت‌ها به‌عنوان شخصیت حقوقی بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده‌اند. علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای تعریف سازمان‌های غیردولتی و تدوین وضعیت حقوقی آن‌ها، هنوز هیچ کنوانسیون بین‌المللی به‌طور گسترده‌ای درباره ماهیت و قانون سازمان‌های غیردولتی تصویب نشده است. برخلاف دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی اشخاص حقوقی حقوق بین‌الملل عمومی نیستند. به‌عنوان یک قاعده، آنها براساس قوانین ملی یک دولت دارای شخصیت حقوقی هستند که به آنها شخصیت می‌دهد و اختیاراتی برای ادامه فعالیت‌های خود تفویض می‌کند. بنابراین، ایجاد آن توسط یک قانون حقوقی ملی بدون هیچ مفهومی به‌عنوان یک عمل تنظیم شده توسط حقوق عمومی بین‌المللی است (رایفمن^۳، ۲۰۰۷: ۲۵ و ۲۶).

در اینجا ممکن است منطقی باشد که از مفهوم شخص حقوقی همان‌طور که در حقوق بین‌الملل خصوصی عمل می‌کند، استفاده کنیم تا وضعیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان یک شخص حقوقی در زمینه‌های ارائه شده را بهتر توضیح دهیم. به

مدت کوتاهی پس از جنگ جهانی دوم، منشور ملل متحد امضا شد (۲۶ ژوئن ۱۹۴۵) و در این منشور، ماده ۷۱ به ابداع اصطلاح «سازمان‌های غیردولتی» پیوند خورده است.

ماده ۷۱- شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند تمهیدات مناسبی را برای مشورت با سازمان‌های مردم‌نهادی که به دنبال صلاحیت خود هستند، اتخاذ کند. چنین تمهیداتی ممکن است با سازمان‌های بین‌المللی و در صورت لزوم با سازمان‌های ملی پس از مشورت با عضو سازمان ملل متحد انجام شود (سازمان ملل متحد، منشور سازمان ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، ۱۹۴۵).

مسئله تعریف سازمان‌های غیردولتی مسئله‌ای پیچیده است، زیرا تعاریف مختلفی در زمینه‌های مختلف حقوق بین‌الملل وجود دارد. در حقوق بین‌الملل هیچ تعریف پذیرفته شده‌ای از اصطلاح «سازمان غیردولتی» وجود ندارد. هر حوزه قانونی که به سازمان‌های غیردولتی مربوط می‌شود، تعریف خاص خود را ایجاد می‌کند (سازمان ملل متحد، بررسی ترتیبات مشورتی با سازمان‌های غیردولتی، ۱۹۹۶). با این حال، برای اهداف این مطالعه، به نظر می‌رسد تعریف زیر به اندازه کافی جامع و دارای تمام عناصر ضروری است که تاکنون در آن تعاریف متفاوت گنجانده شده است: «سازمان غیردولتی» یک سازمان غیرانتفاعی است که مستقل از دولت‌ها و سازمان‌های دولتی بین‌المللی است، هرگز خشونت را به کار نمی‌گیرد یا آن را ترویج نمی‌کند و موضع روشن و واضحی با جرم و جنایت دارد و دارای موجودیت رسمی با اساسنامه و ساختاری دموکراتیک و مشخص است. به‌طور معمول، اما نه لزوماً، براساس قوانین ملی از شخصیت حقوقی برخوردار است (لیندبلوم^۱، ۲۰۰۵: ۳۶-۵۲). یک سازمان غیردولتی توسط یک سند حقوقی بین‌المللی (مانند یک معاهده) تشکیل نشده است.

قابل ذکر است که پس از جنگ جهانی دوم، جنگ سرد تا زمان فروپاشی دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ بر اقدامات سازمان ملل تأثیرگذار بود. در این دوره، ۱۹۴۸-۱۹۸۹، روند توسعه اهداف سازمان ملل متحد متوقف شد و به همین دلیل موانعی برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فرآیند حکمرانی ایجاد شد (مارتینز^۲، ۲۰۰۹: ۲۷۲ و ۲۷۳).

همچنین نیاز به شفاف‌سازی تمایز بین سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی وجود دارد. براساس تئوری رایج در حقوق عمومی بین‌الملل، سازمان بین‌المللی یک نهاد جمعی است که با

1. Lindblom
2. Martens
3. Soares, Guido Fernando Silvo
4. Bobbio, Norberto
5. Ryfman

قرار می‌گیرد. در عین حال، سازمان‌های غیردولتی وقتی قصد مشارکت در سطح بین‌المللی را دارند، نمی‌توانند از صلاحیت ملی فرار کنند، زیرا برخی از سازمان‌های دولتی بین‌المللی (IGOs) هنگام درخواست برای «وضعیت مشورتی»^۳، وضعیت قانونی مشخصی از یک سازمان غیردولتی (NGO) را می‌طلبند (مارتینز، ۲۰۰۹: ۲۷۵).

همان‌طور که سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی با سازمان‌های بین‌المللی متفاوت هستند، با شرکت‌های فراملی نیز تفاوت دارند. کرسستین مارتینز، اشاره می‌کند که «علی‌رغم دخالت فزاینده سازمان‌های غیردولتی در فرآیندها و رویه‌های سیاست جهانی و حقوق بین‌الملل، ویژگی‌ها و کارکردهای «بازیگر جدید» NGO هنوز به وضوح شناسایی نشده است». برای برخی، اصطلاح NGO فقط انواع مختلفی از سازمان‌های غیردولتی را توصیف می‌کند، که شامل شرکت‌های چند ملیتی، گروه‌های آزادی‌بخش ملی و غیره می‌شود.

۲. وضعیت سازمان‌های غیردولتی در حقوق بین‌الملل

اصطلاح "NGO" به خاطر آن که در کاربرد مبهم است، عدم توافق در مورد سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان سوژه‌های شخصیت بین‌المللی را به همراه دارد. در حالی که در بسیاری از کشورها قوانین داخلی برای "انجمن‌های خصوصی" به‌عنوان مبنایی برای شناسایی و به رسمیت شناختن سازمان‌های غیردولتی عمل می‌کند. در سطح بین‌المللی، استانداردهای حقوقی بین‌المللی برای تعریف و تنظیم درک سازمان‌های غیردولتی هنوز ایجاد نشده است (ایبیدم^۴، ۲۰۱۱: ۲۳).

اگرچه سازمان‌های غیردولتی بیشتر و بیشتر در زندگی بین‌المللی و فرآیندهای مذاکره شرکت می‌کنند؛ اما هنوز به سؤالات مربوط به وضعیت آنها در حقوق بین‌الملل و ویژگی‌های آنها پاسخ کافی داده نشده است. حتی با وجود اینکه «دولت‌ها از مشارکت‌های غیردولتی در فرآیندهای مذاکرات بین‌المللی استقبال می‌کنند و به «انجمن‌های خصوصی» به رسمیت شناختن محدودی در سطح ملی اعطا کرده‌اند، آنها هنوز در مورد استاندارد برای سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه فراملی به توافق نرسیده‌اند. آنها می‌توانند در امور بین‌الملل شرکت کنند و از آنها دعوت شود،

رسمیت شناختن همگانی یک شخص حقوقی از حقوق خصوصی بستگی به رسمیت شناختن اعطا شده توسط نظام حقوقی یک کشور معین که تابع آن کشور است، دارد. از این گذشته، یک شخص حقوقی در حقوق بین‌الملل خصوصی نمی‌تواند بدون داشتن شخصیت، اقامتگاه داشته باشد و این شخصیت فقط توسط دولتی که در آن تأسیس شده یا در آنجا که مقر اصلی آن است، قابل شناسایی است. این بدان معناست که پیوند ملیتی ایجاد خواهد شد. هنگامی که قانون تابعیت آن را به رسمیت شناخت، شخص حقوقی آن شروع به رسمیت یافتن جهانی می‌کند. اما ظرفیت آن در طرح جهانی بستگی به ظرفیتی خواهد داشت که توسط کشور اصلی تابعیت آن به رسمیت شناخته شده است (ملو^۵، ۲۰۰۹: ۳۲۱).

از دیدگاه رسمی، در سطح جهانی هیچ استاندارد حقوقی بین‌المللی بر تأسیس و وضعیت سازمان‌های غیردولتی حاکم نیست. زیرا قوانین آن مربوط به دولتی است که یک سازمان غیردولتی در آن مستقر است و احتمال دارد در مورد فعالیت‌های بین‌المللی مشکلاتی ایجاد کند؛ زیرا قوانین ملی ممکن است با قوانین بین‌المللی متفاوت باشد (مالانچوک^۶، ۱۹۹۷: ۹۷).

باید در نظر داشت که در مورد فعالیت سازمان‌های غیردولتی، زمانی که آنها در کشوری غیر از ملیت خود تأسیس می‌شوند، ممکن است مجبور باشند الزامات ملی بیشتری را نسبت به مواقعی که در کشور خود هستند، برآورده کنند. پس فرضاً، الزامات محلی به شناخت اولیه آن اضافه خواهد شد که جهانی و تغییرناپذیر است. بنابراین، شخص حقوقی تحت قانون تابعیت خود متولد می‌شود و تحت آن می‌میرد، یعنی سازمان‌های غیردولتی اساساً اشخاص حقوقی خصوصی هستند که تحت قوانین ملی کشورهایی که در آن تأسیس شده، تشکیل یافته‌اند و توسط آن اداره می‌شوند (رایفمن، ۲۰۰۷: ۲۵). اما ممکن است مشکلاتی برای سازمان‌های غیردولتی در حوزه بین‌المللی ایجاد شود که برای مثال، فعالیت آن‌ها از مرزهای کشور مبدا ملی خود فراتر رود. یک سازمان غیردولتی فعال بین‌المللی با شعبه‌هایی در چندین ایالت یا استان، بسته به حوزه قضایی مربوط به کشوری که شعبه در آن واقع شده است، تحت سیستم‌های حقوقی ملی متفاوتی

1. Mello
2. Malanczuk

۳. وضعیت مشورتی عبارتی است که استفاده از آن را می‌توان در تأسیس سازمان ملل جستجو کرد و در جامعه سازمان ملل برای اشاره به «سازمان‌های غیردولتی (NGOs) در وضعیت مشورتی با شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد» استفاده می‌شود. همچنین برخی از سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند به سازمان‌های غیردولتی (به‌عنوان مثال - شورای اروپا) وضعیت مشورتی اعطا کنند. سازمان امنیت و همکاری در اروپا (OSCE) می‌تواند وضعیت مشورتی را در قالب «برنامه پژوهشگر در محل اقامت» (که توسط دفتر پراگ دبیرخانه سازمان امنیت و همکاری اروپا اداره می‌شود) اعطا کند؛ به نمایندگان معتبر سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی اجازه دسترسی داده می‌شود.

4. Ibidem

اما هنوز وضعیت و ویژگی نامشخصی در حقوق بین‌الملل دارند.

۳. معاهدات بین‌المللی و تأثیر سازمان‌های غیردولتی

فضای به دست آمده توسط NGO در سناریوی جهانی نشان می‌دهد که مناطق خاصی از بی‌لیاقتی، غفلت و یا حتی عدم تمایل دولت‌ها آسیب می‌بینند. با توجه به نمایندگی که برخی از سازمان‌های غیردولتی در جامعه بین‌المللی دارند، بدون شک مشارکت آنها ضروری است؛ زیرا می‌توانند حلقه مفقوده‌ای بین دولت و جامعه ایجاد کنند.

آندریاس پرسبو^۱ مشاهده می‌کند که ادبیات قبلاً به‌طور عمیق بررسی کرده است که چگونه سازمان‌های غیردولتی بر مذاکرات بین‌المللی تأثیر می‌گذارند و نتیجه‌فراگیر این است که تأثیر بازیگران غیردولتی به قدری قدرتمند هستند که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. بنابراین، سوال پیش‌روی دولت‌های امروز این است که چگونه باید به این بازیگران اجازه مشارکت داده شود. اما، آرنولد پرونتو^۲ تأکید می‌کند که «علی‌رغم اهمیت مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مذاکرات چند جانبه خاص، اکثریت قوانین بین‌المللی امروز هنوز با مشارکت کم یا بدون مشارکت جامعه مدنی انجام می‌شود.

همچنین باید در نظر داشت که سازمان‌های غیردولتی همیشه مخالف نهادهای دولتی نیستند که سیاست‌های آنها را به چالش بکشند. برعکس، «آنها غالباً مستقیماً در طراحی سیاست‌ها دخالت دارند و ممکن است فرآیندهای سیاسی را از داخل عرصه‌های رسمی شکل دهند». به‌عنوان یک مثال خوب می‌توان به مشارکت سازمان‌های غیردولتی در سازمان ملل اشاره کرد. آنها همچنین به کمیسیون‌ها، کمیته‌ها و مؤسسات سازمان ملل مشاوره و اطلاعات لازم را ارائه می‌دهند و همچنین با آژانس‌های سازمان ملل متحد برای کمک به اجرای پروژه‌های خود همکاری می‌کنند.

سازمان‌های غیردولتی نه تنها بخش قابل مشاهده، بلکه بخشی فعال از صحنه بین‌المللی هستند. از آنجایی که آنها در زمینه‌های مختلف عمل می‌کنند، طیف وسیعی از برنامه‌ها و اهداف را ترویج می‌کنند. دخالت سازمان‌های غیردولتی در زمینه‌های مختلفی مانند کمک‌های بشردوستانه، صلح، محیط زیست، آموزش، خانواده و در عرصه‌های بسیار سیاسی مانند خلع سلاح و نظارت نظامی دیده می‌شود (بتسیل، میشل و کورل، الیزابت^۳، ۲۰۰۷: ۴).

با توجه به تعداد حوزه‌هایی که سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در آنها کار کنند و تأثیر بگذارند، این مقاله بر روی سه معاهده بین‌المللی خاص (کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع مین و اساسنامه رم) تمرکز می‌کند تا عملکرد سازمان‌های غیردولتی را در نتیجه‌گیری معاهدات بین‌المللی نشان دهد.

تأکید بر این نکته حائز اهمیت است که معاهدات، مشخصاً منابعی فوری در سناریوی حقوق بین‌الملل هستند. از لحظه‌ای که دولت‌ها خود را به‌عنوان امضاکننده قرار می‌دهند، با تبعیت از آنچه توافق شده است، در صورت عدم پایبندی، با تحریم‌ها، محدودیت‌ها یا اعمالی مواجه می‌شوند که می‌تواند بر روابط آنها در چارچوب روابط بین‌الملل تأثیر بگذارد و به آنها آسیب برساند (شاو^۴، ۲۰۰۸: ۹۴ و ۹۵).

اصطلاح "معاهده" به‌طور کلاسیک در کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات ۱۹۶۹ تعریف شده است: "طبق بند الف ماده ۲ از نظر این کنوانسیون: "معاهده" به توافق بین‌المللی منعقد شده بین دولت‌ها در شکل کتبی و تحت حاکمیت حقوق بین‌المللی گفته می‌شود که خواه در یک سند واحد یا در دو یا چند سند مرتبط و با هر نام خاص در آن گنجانده شده باشد (کنوانسیون ملل متحد در مورد ممنوعیت استفاده، انبار کردن، تولید و انتقال مین‌های ضد نفر و انهدام آنها، سپتامبر ۱۸، ۱۹۹۷).

با در نظر گرفتن مشارکت نهادهای غیردولتی در مذاکرات و تدوین معاهدات و از منظر فرآیند حاکمیتی، اهمیت سازمان‌های غیردولتی در سناریوی بین‌المللی فضای بیشتری پیدا می‌کند، زیرا در نهایت به‌عنوان پل ارتباطی بین جامعه و دولت‌ها عمل می‌کنند.

۴. کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسید، نمونه‌ای از تأثیر و نقش سازمان‌های غیردولتی در فرآیند انعقاد معاهده‌های بین‌المللی است (کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک، مصوب ۲۰ ژانویه ۱۹۸۹، لازم‌الاجرا شدن در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰، ۱۵۷۷ سری ۳ معاهده سازمان ملل متحد). این معاهده و همچنین دو پروتکل از سه پروتکل اختیاری آن^۵ اغلب به‌عنوان سند حقوقی بین‌المللی ارائه می‌شوند که به شدت اجازه مشارکت سازمان‌های غیردولتی را می‌دهد (تورکلی، گامزه اردم

1. Persbo, Andreas
2. Pronto, Arnold
3. Betsill, Michelle and Corell, Elisabeth
4. Shaw

۵. پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد دخالت کودکان در درگیری‌های مسلحانه، مصوب ۲۵ مه ۲۰۰۰، لازم‌الاجرا شدن در ۱۲ فوریه ۲۰۰۲، GA Res. A/RES/54/263، پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک در مورد رویه ارتباطات، مصوب ۱۹ دسامبر ۲۰۱۱، لازم‌الاجرا شده در ۱۴ آوریل ۲۰۱۴، A/RES/66/138

غیردولتی از وضعیت مشورتی ویژه‌ای برخوردار بودند (تورکلی، گامزه اردم و وندهوله، ووتر، ۲۰۱۲: ۳۶-۳۷) در واقع، این وضعیت به‌عنوان پایه‌ای برای مشارکت سازمان‌های غیردولتی عمل کرد. اما حتی بیشتر از آن علی‌رغم عدم تمایل برخی دولت‌ها به تصدیق نقش فزاینده سازمان‌های غیردولتی فراتر از وضعیت مشورتی عمومی، این نقش از طریق اعطای حقوق مشارکت رسمی به سازمان‌های غیردولتی در بحث‌های مربوط به متن کنوانسیون به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. از سال ۱۹۷۸، آنها رسماً حق دارند نظرات، مشاهدات و پیشنهادات خود را در مورد پیش‌نویس کنوانسیون ارائه دهند.

چارچوب کار سازمان‌های غیردولتی بر روی متن کنوانسیون با ایجاد یک گروه ویژه غیردولتی خاص در زمینه تهیه پیش‌نویس کمیته حقوق کودک^۳ (CRC) تعیین شد. این کارگروه گزارش‌های منظمی در فرآیند تهیه پیش‌نویس، تولید می‌کرد که بعداً در گروه کاری کمیته حقوق کودک (به اصطلاح گروه کاری با پایان باز) توزیع شد. این گزارش‌ها تأثیر قابل توجهی بر تهیه پیش‌نویس داشته‌اند و به همراه پیشنهادات دولتی در تدوین ماده به ماده پیشنهادات گنجانده شده‌اند.

باید به دو شکل اساسی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در انعقاد و اجرای بعدی کمیته حقوق کودک و دو پروتکل آن اشاره کرد. اولین گام در ایفای نقش آنها در روند قانون‌گذاری بیان شد و مورد دوم در به رسمیت شناختن رسمی همکاری سازمان‌های غیردولتی با کمیته حقوق کودک در نظارت بر انطباق با مفاد کنوانسیون و مکان در نظر گرفته شده به آنها، در روند گزارش‌دهی یافت می‌شود. در حالی که قالب دوم در اینجا تحلیل نمی‌شود، اما از آنجایی که مستقیماً به این موضوع که سازمان‌های غیردولتی در انعقاد معاهده نظر دارند، مربوط نمی‌شود، با این وجود همچنان مهم است که ماده ۴۵ کنوانسیون حقوق بشر با سازمان‌های غیردولتی بر اساس قواعد مشابه با آژانس‌های تخصصی سازمان ملل متحد برخورد می‌کند.

این اولین نقشی است که برای اهداف بحث ما مرتبط است. تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر تهیه پیش‌نویس کنوانسیون (بنابراین تأثیر اساسی آنها) به‌طور کلی بسیار قوی شناخته شده است؛ همان‌طور که تورکلی و واندن هول به درستی اشاره کردند. این تأثیر به نوبه خود می‌تواند به دو حوزه اصلی تقسیم شود: حوزه دستور کار و سیاست‌گذاری و حوزه تنظیم هنجار.

بخش تنظیم دستور کار در واقع عمیق بود. به گفته کمیساریای عالی حقوق بشر در سازمان ملل متحد^۴، حداقل ۱۳ پیشنهاد ارائه

و وندهوله، ووتر^۱، ۲۰۱۲: ۳۴) به دلیل فضای محدود، ما در این بخش بر تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر فرآیند انعقاد کنوانسیون تمرکز خواهیم کرد (برن^۲، ۲۰۰۳: ۴۵۳-۴۸۱).

گزارش نفوذ اعمال شده توسط سازمان‌های غیردولتی بر قانون معاهده، بدون توجه به جنبه‌های مهم نقشی که سازمان‌های غیردولتی در فرآیند پذیرش این سند کلیدی حقوق بشر ایفا می‌کنند، به همان اندازه جامع خواهد بود. به‌طور کلی، آن نقش واقعاً قابل توجه است. چندین جنبه مهم را می‌توان در روند مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مذاکره، تهیه پیش‌نویس و انعقاد کنوانسیون ردیابی کرد. اما قبل از در نظر گرفتن آنها، منطقی است که شرح مختصری از ارتباط بین این ابزار و سازمان‌های غیردولتی را ارائه دهیم.

کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک نشان‌دهنده معاهده‌ای است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی کودکان را تعیین می‌کند. این قانون کودک را به‌عنوان هر انسان زیر هجده سال تعریف می‌کند، مگر اینکه طبق قوانین ملی زودتر به سن بلوغ رسیده باشد (کنوانسیون حقوق کودک، مواد ۱ و ۴۶). کشورهای امضاکننده معاهده توسط حقوق بین‌الملل ملزم به رعایت این معاهده هستند در حالی که رعایت هنجارهای آن توسط کمیته ویژه سازمان ملل (در مورد حقوق کودک که شامل اعضای از کشورهای سراسر جهان است) نظارت می‌شود.

در حالی که اولین متن پیش‌نویس کنوانسیون توسط یک سازمان غیردولتی، چه ملی و چه بین‌المللی (که توسط دولت لهستان پیشنهاد شده بود) مطرح نگردیده بود، سازمان‌های غیردولتی نقش نسبتاً فعالی در تهیه پیش‌نویس و مذاکرات یک دهه پروژه ایفا کردند. (تورکلی، گامزه اردم و وندهوله، ووتر، ۲۰۱۲: ۳۶-۴۱) یک جنبه خاص را باید متذکر شد؛ حتی اگر برخی از سازمان‌های غیردولتی در سال ۱۹۷۸ سعی در به تعویق انداختن مذاکرات معاهده (به دلیل نیاز به صبر تا حصول نتایج تحقیقات و مطالعات سازمان‌های غیردولتی در مورد حقوق کودکان) داشته باشند، که نتوانسته‌اند به آن دست یابند. البته این به تعویق انداختن، نظرات آنها را در فرآیند تهیه پیش‌نویس بعدی مورد توجه قرار داد (تورکلی، گامزه اردم و وندهوله، ووتر، ۲۰۱۲: ۲۳-۳۷).

جنبه قابل توجه دیگر این است که در تمام مراحل مذاکرات کنوانسیون و حتی قبل از آن، در کل فرآیند تدوین حقوق کودکان در سطح بین‌المللی (از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۸۹)، سازمان‌های

1. Türkelli, Gamze Erdem and Vandehole, Wouter
2. Breen
3. Committee on the Rights of the Child
4. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights

بخشی از سازمان ملل متحد می‌باشد که در زمینه تبلیغ و حفاظت حقوق بشر با ضمانت قوانین جهانی فعالیت کرده و همچنین در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز وجود آن الزامی شمرده شده‌است.



شده توسط گروه ویژه سازمان غیردولتی در متن نهایی کنوانسیون، به‌عنوان پاراگراف‌های منفرد یا حتی کل مقالات گنجانده شده بود. بسیاری از نگرانی‌های سازمان‌های غیردولتی یافتن جای خود در خروجی آن سند است؛ برای مثال استفاده از مقالات بدون جنسیت برای محافظت از کودکان در برابر استثمار جنسی و سایر اشکال استثمار، قاچاق و شکنجه، ارائه خدمات بهبودی و سلامتی برای قربانیان چنین موقعیت‌هایی. به این ترتیب سازمان‌های غیردولتی توانستند در جریان مذاکرات بر سر کنوانسیون، هم بر روی موضوعات و هم بر مسائل سیاسی تأثیر گذارند.

علاوه بر این، این واقعیت از اهمیت یکسانی برخوردار است که سازمان‌های غیردولتی نیز در بسط هنجارها در مفاد متن معاهده که به عدالت نوجوانان می‌پردازد، کاملاً موفق بودند. خصوصاً در مورد دو ماده خاص ۳۷ و ۴۰ چنین بود. تلاش‌های موفقیت‌آمیز سازمان‌های غیردولتی در این زمینه به ارائه بیمه‌ای منسجم‌تر و همگانی‌تر از قوانین حقوق بشر به شکلی کلی کمک کرد. این تلاش‌ها باعث گردید که بیشتر حمایت‌های ایجاد شده در پیمان‌های بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، در مورد عدالت نوجوانان و اجرای آن، برای کودکان قابل اجرا باشد.

این مشارکت‌های فعال حاکی از ظرفیت گسترده سازمان‌های غیردولتی حداقل در سطح پیش‌نویس معاهده توسعه قوانین بین‌المللی حقوق بشر است. با این حال، می‌توانیم با خیال آسوده نتیجه‌گیری کنیم که تأثیر آنها فراتر از ارائه و دفاع از طرح‌های پیشنهادی و ایجاد ورودی در موضوعات سیاستی است. برای درک آن، باید تصویر عام‌تری از مفاد کلی که در آن روند مذاکرات کمیته حقوق در حال انجام بود در نظر گرفت. زمانی بود که جنگ سرد هنوز ادامه داشت (اگرچه در سال‌های پایانی آن بود) و این مذاکرات اغلب با بحث‌های داغ در مورد پیش‌نویس متون که از طرف کشورهایی که دوا ردوگاه اصلی متضاد را نمایندگی می‌کردند یعنی شرق و غرب مشخص می‌شد. پیشنهادات سازمان‌های غیردولتی در آن زمان مظهر سازش غیرسیاسی و کمابیش بی‌طرف برای فرآیندی بود که در غیر این صورت به دلیل دیدگاه‌های کاملاً مخالف با خطر، متوقف می‌شد (کهن^۱، ۲۰۰۶: ۱۹۲-۱۹۳). در نهایت این منجر به تصویب سند قانونی شد که حمایت از حقوق بشر، به‌ویژه حقوق کودک را به سطح بین‌المللی جدیدی رساند. از این نظر، تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر روند تدوین و تصویب سند کلیدی قانون حقوق بشر بسیار چشمگیر بود.

۵. کنوانسیون منع مین (پیمان اتاوا)

کنوانسیون ممنوعیت استفاده، ذخیره‌سازی، تولید و انتقال مین‌های

ضد نفر و انهدام آنها که به‌عنوان کنوانسیون منع مین یا معاهده اتاوا نیز شناخته می‌شود، با هدف از بین بردن کامل مین‌های زمینی در دسامبر ۱۹۹۷ برای امضاء آغاز و در مارس ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا گردید.

در سال ۱۹۹۱، به دلیل تلاش برای از بین بردن مین‌های زمینی، برخی از سازمان‌های غیردولتی شروع به برنامه‌ریزی برای خاموش کردن این اشیاء جنگی کردند. در سال ۱۹۹۲ کمیته بین‌المللی برای ممنوعیت مین‌های زمینی (ICBL) توسط سازمان‌های غیردولتی که با حقوق بشر، کهنه‌سربازان جنگ و گروه‌های مشاوره در مورد مین‌ها و غیره سروکار دارند، تأسیس شد.

فرآیند اتاوا که منجر به کنوانسیون ممنوعیت مین شد، پاسخی به شکست کنفرانس‌های بازنگری کنوانسیون ۱۹۸۰ در مورد ممنوعیت‌ها یا محدودیت‌های استفاده از برخی سلاح‌های متعارف^۲ (CCW) بود (نیکلا^۳، ۱۹۹۹: ۴۸۲). این امر نه تنها به دلیل اهداف بشردوستانه، بلکه به این دلیل که به‌عنوان الگویی برای همکاری بین سازمان‌های غیردولتی و دولت‌ها معرفی شده است، می‌توان آن را یک دستاورد بزرگ در نظر گرفت (همان، ۴۸۱).

دو سازمان خاص تلاش‌های اولیه را در این زمینه داشتند: یکی کمیته بین‌المللی برای ممنوعیت مین‌ها (ICBL) و دیگری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ (ICRC). اولین آن در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد و امروزه ائتلافی دارای بیش از هزار سازمان غیردولتی است. این کنوانسیون اساساً برای لازم‌الاجرا کردن و اجرای آن وجود داشت. سپس، کمیته آن به «امضاء، تصویب، اجرا و نظارت بر معاهده ممنوعیت مین» (ICBL، ۲۰۱۶) گسترش یافت. در واقع، امضای معاهده اتاوا بزرگ‌ترین موفقیت کمیته محسوب می‌شود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز نقش مهمی در روند پیمان اتاوا ایفا کرد، زیرا جراحان میدانی آن شاهدان مستقیم رنج هولناک و گسترده‌ای بوده‌اند که توسط مین‌های ضد نفر بر غیرنظامیان در سراسر جهان تحمیل شده است.

پس از فراخوان مشابهی که اولین بار توسط کمیته بین‌المللی ممنوعیت مین‌های زمینی (ICBL) مطرح شد، صلیب سرخ ملی و جمعیت هلال احمر خود را به آن اضافه کردند. در مواجهه با انزجار فزاینده عمومی از اثرات مخرب مین‌های ضد نفر بر غیرنظامیان، دولت‌های تحت رهبری کانادا فرآیندی را در سال ۱۹۹۶ آغاز کردند که تنها یک سال بعد منجر به تصویب کنوانسیون منع مین‌های ضد نفر شد که از این پس به آن کنوانسیون اتاوا اشاره می‌شود (نیکلا، ۱۹۹۹: ۴۸۵-۴۸۶).

روند اتاوا در مجموع شامل شش مرحله بود که نقش سازمان‌های غیردولتی در آن را می‌توان به دو مرحله تقسیم کرد. اولین مورد

1. Cohen
2. Convention on Certain Conventional Weapons
3. Nicola

از جمله کمک به کشورها در صورت نیاز و همچنین کمک به قربانیان مین‌ها، آموزش مردم در مورد خطرات آن و همکاری با شرکای متخصص در پاکسازی مین، به کار خود ادامه می‌دهند.

۶. اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی

اساسنامه رم که دادگاه کیفری بین‌المللی را ایجاد کرد، در یک کنفرانس دیپلماتیک در رم در ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸ با رأی موافق، ۷ رأی مخالف و ۲۱ رأی ممتنع به تصویب رسید. در ۱۱ آوریل ۲۰۰۲، پس از رسیدن به ۶۶ تصویب، لازم‌الاجرا شد.

اگرچه بحث در مورد تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی چند سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد آغاز شد، اما در سال ۱۹۹۴ کار بر روی پیش‌نویس اساسنامه دادگاه عملاً به پایان رسید. بین سال‌های ۱۹۹۶ و ۱۹۹۸، کمیته مقدماتی تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی^۲ شش جلسه برگزار کرد و متن تلفیقی را برای اساسنامه در گزارش نهایی خود همراه با پیش‌نویس آیین‌نامه داخلی ارائه کرد. پس از آن، در سال ۱۹۹۷، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم گرفت یک کنفرانس دیپلماتیک (۱۵ ژوئن تا ۱۷ ژوئیه ۱۹۹۸)، برای همه کشورهای عضو سازمان ملل متحد یا آژانس‌های تخصصی آن، برای بحث در مورد تصویب کنوانسیون تأسیس یک دادگاه کیفری بین‌المللی سازمان ملل برگزار کند.

دفتر مرکزی دادگاه کیفری بین‌المللی در لاهه هلند است. صلاحیت محاکمه افراد به دلیل ارتکاب جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، نسل‌کشی و تجاوز را دارد. ایجاد آن گام بزرگی به جلو بود، زیرا این اولین بار در تاریخ روابط بین‌دولت‌ها است که اجماع لازم برای محاکمه در یک دادگاه بین‌المللی دائمی، سیاست‌مداران، رهبران نظامی و حتی مردم عادی که مرتکب جنایت شده‌اند حاصل شد. از مسائل عمده این دادگاه که همچنین به‌عنوان آخرین راه حل شناخته می‌شود، واگذاری مسئولیت اصلی به سیستم‌های حقوقی ملی است تا صلاحیت خود را در مورد جرایم ادعایی و اعمالی که دادگاه‌های ملی مایل یا قادر به انجام آن نیستند، اعمال کنند (کستنباوم^۳، ۲۰۱۷: ۱۷).

چندین سازمان غیردولتی مانند عفو بین‌الملل، دیده‌بان حقوق بشر و جنبش جهانی فدرالیسم، مشارکت و نفوذ فعالی در ایجاد معاهده فوق داشتند. آنها با هم ائتلافی را در سال ۱۹۹۵ با هدف پایان دادن به معافیت از مجازات کسانی که مرتکب جنایات شدند تشکیل دادند. ائتلاف برای دادگاه کیفری بین‌المللی (CICC^۴) در نیویورک مستقر است، اما با دفاتری در سراسر جهان، مشارکت موثر بیش از ۲۵۰۰ سازمان غیردولتی در سراسر جهان را دارد که از دادگاه کیفری بین‌المللی عادلانه، مؤثر و مستقل حمایت می‌کنند.

شامل شرکت دو نماینده ICBL در مذاکرات پیش‌نویس متن معاهده در وین و بن بود. مرحله دوم مربوط به مذاکرات بزرگ‌تر در جلسات بروکسل و اسلو بود که در آن بسیاری از سازمان‌های غیردولتی شرکت کردند. همچنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ هیئت‌هایی را به تمامی جلسات فرستاد (همان، ۴۸۵).

سازمان‌های غیردولتی در طول بحث معاهده منع مین کارهای مهم بسیاری انجام دادند. آنها کاستی‌های CCW را برجسته نموده و اغلب تکرار کردند، آنها خواستار ممنوعیت همه جانبه مین‌های ضد نفر شدند و ظرفیت خود را برای روابط عمومی نشان و آگاهی عمومی را ارتقا دادند (همان، ۴۸۵). شاید از همه مهم‌تر این بود که آنها دعوت به ممنوعیت را آغاز کردند. به نظر می‌رسد با اطمینان بتوان گفت که سازمان‌های غیردولتی تلاش‌هایی را برای تغییر شرایط بحث‌ها از دیدگاه نظامی به جنبه بشردوستانه انجام دادند.

مشارکت ملموس سازمان‌های غیردولتی در فرآیند اتاوا جهت تأثیرگذاری بر متن معاهده، سازمان‌دهی انجمن‌هایی بود که کشورهای جنوبی را درگیر و شرایط آگاه‌سازی عمومی که از فراخوان یک معاهده حمایت می‌کرد را ایجاد می‌کرد. سازمان‌های غیردولتی آماری در مورد ماهیت و گستردگی مشکل APM (مین‌های ضد نفر) به‌ویژه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی آن ارائه کردند. آنها ماهیت بی‌رویه APM ها و هزینه‌های انسانی و اجتماعی آنها را به تصویر کشیدند. سازمان‌های غیردولتی به دلیل تجربه دست اول خود در زمینه مین‌زدایی، با برنامه‌های آگاهی از مین در جوامع آسیب‌دیده و تلاش‌های بازتوانی بازماندگان توانستند این کار را انجام دهند. برخی از دولت‌ها مین‌زدایی نظامی را انجام دادند (در واقع، بسیاری از مربیان غیردولتی مین‌زدایی، از طریق آموزش نظامی مین‌زدایی را آموختند). با این حال به‌طور سنتی، نظامیان اگرچه ممکن است با عواقب یک سلاح آشنا باشند؛ اما به احتمال زیاد از آن چشم‌پوشی نمی‌کنند (همان، ۴۸۸-۴۹۰).

در حال حاضر، پس از ۲۰ سال از لازم‌الاجرا شدن معاهده اتاوا، ۸۰ درصد از کشورهای جهان کشورهای طرف این معاهده هستند (حدود ۱۶۲ کشور) و تنها ۳۵ کشور خارج از این معاهده باقی مانده‌اند. در واقع این معاهده، رکورد تاریخی سریع‌ترین معاهده برای لازم‌الاجرا شدن را ثبت کرد، زیرا تنها در ده ماه ۴۰ تصویب‌نامه لازم را به‌دست آورد (در دسامبر ۱۹۹۷ امضا شد، در اکتبر ۱۹۹۸ امضاهای لازم را به‌دست آورد و در مارس ۱۹۹۹ لازم‌الاجرا شد).

علاوه بر کمک به بحث و اجرای معاهده، سازمان‌های غیردولتی، به‌ویژه ICBL و ICRC، امروزه برای اجرای کنوانسیون، کارهایی

1. Anti-personnel mines
2. PrepCom
3. Kestenbaum
4. Coalition for the International Criminal Court

موضوع (دادستان موضوع) و استقلال آن مهم است، زیرا در برخی موارد بین سازمان‌ها اتفاق نظر وجود نداشت. اما یکی دیگر از مهم‌ترین جنبه‌های آن سازمان‌های مردم‌نهادی هستند که فضای لازم و مساعد را برای برگزاری موفق کنفرانس و تصویب اساسنامه ایجاد کردند.

در حال حاضر، سازمان‌های غیردولتی، به‌ویژه CICC، همچنان نقش مهمی در روند نظارت، تصویب اساسنامه رم و حمایت از دادگاه کیفری بین‌المللی ایفا می‌کنند.

اهداف فراگیر ائتلاف دادگاه کیفری بین‌المللی (CICC) عبارت است از:

- ارتقای آموزش و آگاهی از ICC و اساسنامه رم.
- تسهیل مشارکت مؤثر جامعه مدنی در جلسات مجمع کشورهای عضو.
- تشویق مجمع دولت‌های عضو به ارائه حمایت مؤثر سیاسی و مالی از ICC.
- ارائه تخصص فنی و خدمت در نقش مشاوره‌ای به دولت‌ها، ICC و سایر موسسات.
- ترویج پذیرش جهانی و تصویب/الحاق به اساسنامه رم و اجرای کامل و مؤثر تعهدات معاهده در قوانین ملی.
- افزایش آگاهی مجریان قانون ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای تشویق همکاری بیشتر با دیوان.
- حفظ حضور در لاهه برای تسهیل مشارکت جامعه مدنی و همکاری با کار دیوان.

می‌توان گفت که امروزه هدف اصلی ائتلاف دادگاه کیفری بین‌المللی (CICC) کمک به جامعه بین‌المللی در امر مهم و دشوار جلوگیری از معافیت مجازات در فجع‌ترین جنایات بین‌المللی است.

۷. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر انعقاد معاهدات بین‌المللی، از طریق معرفی و بررسی مختصری در مورد سازمان‌های غیردولتی و مهم‌تر از آن تحلیل سه سند حقوقی مهم بین‌المللی که با شاخه‌های مختلف حقوق بین‌الملل سروکار دارند، انجام شد که در واقع این سه سند به شرح کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد (حقوق بین‌المللی حقوق بشر)، کنوانسیون منع مین (حقوق بین‌المللی بشردوستانه) و اساسنامه رم (حقوق کیفری بین‌المللی) بود. به همین منظور جهت دستیابی به

از ابتدا سازمان‌های غیردولتی بحث‌های مربوط به تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی را زیر نظر داشتند. در طول کنفرانس رم، آنها نه تنها توانستند بر آن نظارت کنند، بلکه در این روند نیز شرکت کردند. پیس و تیروف^۱ می‌گویند که سازمان‌های غیردولتی، بیشتر از CICC، در جلسات عمومی آن شرکت می‌کنند و در موقعیت‌های خاص می‌توانند در جلسات رسمی کمیته‌ها شرکت کنند. آنها همچنین رونوشتی از اسناد رسمی دریافت و از طریق تعداد محدودی از نمایندگان خود اظهارات شفاهی خود را در جلسات افتتاحیه و پایانی کنفرانس بیان کردند.

بین اطلاع‌رسانان توافق کلی وجود داشت که سازمان‌های غیردولتی نقش بسیار مهمی در مذاکرات اساسنامه رم، چه قبل و چه در حین کنفرانس ایفا کرده‌اند. پیچیدگی و ماهیت تا حدی حقوقی-فنی آن، فرصت ویژه‌ای را برای سازمان‌های غیردولتی ایجاد کرد تا دانش و اطلاعات تخصصی را به‌ویژه در رابطه با هیئت‌های کوچک‌تر ارائه دهند. یکی دیگر از موارد توافق عمومی، هم در میان نمایندگان ایالتی و هم در میان نمایندگان غیردولتی، این بود که تشکیل CICC در موفقیت سازمان‌های غیردولتی نقش اساسی داشت. یکی از نمایندگان سازمان‌های غیردولتی به این واقعیت اشاره کرد که از طریق تشکیل ائتلاف، سازمان‌های غیردولتی مجموعاً بزرگ‌ترین هیئت را داشتند که بالغ بر ۲۰۰ نفر بود و حدود ۹۵ درصد از کل اعضای سازمان‌های غیردولتی شرکت‌کننده در کنفرانس را شامل می‌شد.

از جمله راهبردهای دیگر سازمان‌های غیردولتی، توزیع مطالب مکتوب از طریق دبیرخانه به‌طور خصوصی و یا به‌طور کلی بین گروه‌های منتخبی از افراد یا هیئت‌ها بود که بر مذاکرات اساسنامه تأثیر گذاشتند. کار آنها در طول کنفرانس رم بیشتر بر اطلاعات، آموزش و خدمات تا خود دفاع متمرکز بود. همچنین CICC در طول کنفرانس سه روزنامه را به صورت روزانه تولید کرد: ترا وی‌وا^۲، ائتلاف ناظر دادگاه کیفری بین‌المللی^۳ و به صورت همگانی (روابط عمومی و تبلیغات بازرگانی)^۴. این نشریات مورد اعتماد قرار گرفتند و به‌طور گسترده خوانده و به سرعت به یک منبع اطلاعاتی رایج تبدیل گردیدند. علاوه بر این، تجربه مشترک خواندن خبرنامه‌ها می‌تواند عامل وحدت‌بخش بزرگی در کنفرانس باشد (بِنِدِتِی^۵، ۲۰۱۴: ۱۱۶).

اگرچه سازمان‌های غیردولتی مستقیماً روی پیش‌نویس اساسنامه کار نکردند، اما حضور و تخصص آنها بر مذاکرات تأثیر گذاشت. برای مثال، آنا-کارین لیندبلوم گزارش می‌دهد که نقش پیگیر

1. Pace, William and Thieroff, Mark

2. Terra Viva

3. CICC Monitor

4. On the Records

5. Benedetti

انعقاد معاهدات بین‌المللی شامل ارائه اطلاعات و تخصص، ارتباط موثر، حمایت عمومی و بسیج، دستور کار و تعیین هدف، اجرای اصول و هنجارها و نظارت است. با این حال، علی‌رغم حضور و فعالیت آنها برای انعقاد معاهدات بین‌المللی، مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مذاکرات عمدتاً غیررسمی و تابع ترجیحات دولت‌های ملی است.

باتوجه به تمایل جهان برای سازماندهی کلی در یک فرآیند حکمرانی جهانی، اکنون می‌توان با خیال راحت فرض کرد که در حال حاضر سازمان‌های غیردولتی نمایندگی محدودی در سناریوی سیاسی جهانی دارند. علاوه بر این، همان‌طور که توسط مالانچوک^۱ بیان شده است، سازمان‌های غیردولتی تخصص بیشتری را اضافه و رویه‌ها را شفاف‌تر می‌کنند. همچنین تأثیر قوی بر نظارت و حقیقت‌یابی در مورد اجرای هنجارهای بین‌المللی دارند. تلاش‌های آنها در فرآیندهای انعقاد معاهده ممکن است حتی گاهی اوقات راه‌حلی از لحاظ سیاسی متعادل و بی‌طرف برای موانع بسیار جدی باشد که ممکن است در طول چنین فرآیندی در شرایط دشوار سیاسی ایجاد شود. واقعیت اخیر با تجربه طولانی اما در نهایت موفقیت‌آمیز مذاکرات در مورد کنوانسیون حقوق کودک نشان داده شد. از این نظر، کنوانسیون مذکور، معاهده اتاوا و اساسنامه رم سه نمونه از چگونگی نمایندگی سازمان‌های غیردولتی جامعه مدنی و مشارکت در امور بین‌المللی، نفوذ و نظارت بر مذاکرات مربوطه است.

هدف مورد نظر، توضیحی در مورد سازمان‌های غیردولتی و جایگاه آنها در حقوق بین‌الملل ضروری بود.

با اینکه سازمان‌های غیردولتی توانایی قانونی برای انعقاد معاهدات بین‌المللی ندارند، اما به‌منظور نشان دادن اینکه سازمان‌های غیردولتی بر روابط بین‌الملل تأثیر می‌گذارند، روند مذاکرات و انعقاد کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون منع مین و اساسنامه رم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. در هر سه مورد، تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی از اهمیت اولیه برخوردار بود، زیرا آنها نه تنها به بحث‌ها و مذاکرات یاری رساندند، بلکه به اجرای معاهدات آنها نیز کمک کردند.

بررسی موضوع همچنین نشان داد که سازمان‌های غیردولتی باتوجه به جایگاه برجسته‌ای که در سطح بین‌المللی به‌دست آورده‌اند، نه تنها می‌توانند اقدامات خود را منتشر کنند، بلکه می‌توانند پروژه‌هایی را پیشنهاد و افکار عمومی را متقاعد کنند که دلالی که از آنها دفاع می‌کنند مهم است و آنها مستحق حمایت جامعه هستند. بنابراین، سازمان‌های غیردولتی حامیانی را در سراسر جهان به‌دست آورده‌اند، در حالی که انحرافات از قانون را که توسط دولت‌ها، شرکت‌های فراملی یا هر عامل دیگری انجام می‌شود، محکوم و جایگاه خود را به‌عنوان نمایندگان جامعه مدنی تثبیت می‌کنند.

همچنین این مقاله چگونگی مشارکت سازمان‌های غیردولتی در مذاکرات بین‌المللی را مورد بحث قرار داد. مشارکت آنها در روند

منابع 

1. Article 125 of the Rome Statute توسط Wayback Machine. بایگانی‌شده در ۱۹ اکتبر ۲۰۱۳ توسط Wayback Machine. Retrieved on 18 October 2013.
2. Article 29, Non-applicability of statute of limitations.
3. Benedetti, Fanny et al., *Negotiating the International Criminal Court: New York to Rome, 1994-1998*, Leiden, Martinus Nijhoff Publishers, 2014. [Links]
4. Betsill, Michelle and Corell, Elisabeth, "Introduction to NGO Diplomacy", *NGO Diplomacy: the Influence of Non-Governmental Organizations in International Environmental Negotiations*, Cambridge, MIT Press, 2007. [Links]
5. Bobbio, Norberto, *Estado, governo, sociedade: teoria geral da política*, 14a. ed., São Paulo, Paz e Terra, 2007. [Links]
6. Breen, Claire, "The Role of NGOs in the Formulation of and Compliance with the Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on Involvement of Children in Armed Conflict", *Human Rights Quarterly*, vol. 25, issue 2, May 2003. [Links]
7. Cassese, Antonio, *International Law*, 2a. ed., New York, Oxford University Press, 2005. [Links]
8. Coalition for the International Criminal Court, *About the Coalition for the International Criminal Court*, 2016. Available at: http://www.iccnw.org/documents/CICC_Factsheet.pdf. [Links]
9. Coalition for the International Criminal Court, *An Overview of the ICC and the CICC*, 2006. Available at: http://www.iccnw.org/documents/CICCFS -ICC_ Overview_ current.pdf. [Links]
10. Coalition for the International Criminal Court, *Implementation of the Rome Statute*, 2012. Available at: <http://www.iccnw.org/?mod=romeimplementation&idudctp=13&order=authorasc>. [Links]
11. Cohen, Cynthia Price, "The Role of the United States in the Drafting of the Convention on the Rights of the Child", *Emory International Law Review*, vol. 20, 2006. [Links]
12. Crowley, Michael and Persbo, Andreas, "The Role of Non-Governmental Organizations in the Monitoring and Verification of International Arms Control and Disarmament Agreements", in Borrie, John and Randin, Vanessa (eds.), *Thinking outside the box in multilateral disarmament and arms control negotiations*, United Nations Institute for Disarmament Research, 2006. [Links]
13. Daillier, Patrick; Forteau, Mathias and Pellet, Alain, *Droit international public*, L.G.D.J., 2009. [Links]
14. Holzscheiter, Anna, "Non-Governmental Organizations", *Oxford Bibliographies*, New York-Oxford, Oxford University Press, 2015. Available at: <http://www.ofordbibliographies.com/view/document/obo-9780199791231/obo-9780199791231-0044.xml>. [Links]
15. International Committee of the Red Cross, "Overview of the Convention on the Prohibition of Anti-Personnel Mines", 2007. Available at: <https://www.icrc.org/eng/resources/documents/legal-fact-sheet/landmines-factsheet-150807.htm>. [Links]
16. International Committee of the Red Cross, "Why the Mine Ban Convention Was Worth Fighting for and Still Is", 2016. Available at: <https://www.icrc.org/en/document/why-mine-ban-convention-was-worth-fighting-and-still>. [Links]
17. Keßenbaum, Jocelyn Getgen, "Closing Impunity Gaps for the Crime of Aggression", *Chicago Journal of International Law*, vol. 17, 2016. Available at: <http://chicagounbound.uchicago.edu/cjil/vol17/iss1/2>. [Links]

18. Lindblom, Anna-Karin, *Non-Governmental Organizations in International Law*, New York, Cambridge University Press, 2005. [Links]
19. Malanczuk, Peter, *Akehurst's Modern Introduction to International Law*, 7a. ed., New York, Routledge, 1997. [Links]
20. Martens, Kerstin, "Examining the (Non-)Status of NGOs in International Law", *Indiana Journal of Global Legal Studies*, vol. 10, issue, 2, 2003. Available at: <http://www.repository.law.indiana.edu/ijgls/vol10/iss2/1>. [Links]
21. Martens, Kerstin, "Mission Impossible? Defining Nongovernmental Organizations", *Voluntas: International Journal of Voluntary and Nonprofit Organizations*, vol. 13, issue 3, 2002. [Links]
22. Mello, Celso de Albuquerque, *Curso de direito internacional público*, 12a. ed., Rio de Janeiro, Renovar, 2002. [Links]
23. Office of the High Commissioner for Human Rights, "Legislative History of the Convention on the Rights of the Child", vol. II, HR/PUB/07/1, New York-Genoa, United Nation, 2007. [Links]
24. Pace, William and Thieroff, Mark, "Participation of Non-Governmental Organizations", in Lee, Roy S. (ed.), *The International Criminal Court: The Making of the Rome Statute Issues, Negotiations, Results*, The Hague, Kluwer Law International, 1999. [Links]
25. Persbo, Andreas, "The Role of Non-Governmental Organizations in the Verification of International Agreements", *Disarmament Forum. Arms Control Verification*, United Nations Institute for Disarmament Research, 2010. Available at: <http://www.unidir.org/files/publications/pdfs/arms-control-verification-en-320.pdf>. [Links]
26. Pronto, Arnold N., "Some Thoughts on the Making of International Law", *The European Journal of International Law*, vol. 19, issue 3, 2008. Available at: <http://www.ejil.org/pdfs/19/3/1629.pdf>. [Links]
27. Ryfman, Philippe. "Non-Governmental Organizations: an Indispensable Player of Humanitarian Aid", *International Review of the Red Cross*, vol. 89, issue 865, March 2007. [Links]
28. Shaw, Malcolm N., *International Law*, 6a. ed., Cambridge, Cambridge University Press, 2008. [Links]
29. Short, Nicola, "The Role of NGOs in the Ottawa Process to Ban Landmines", *International Negotiation*, vol. 4., issue 3, 1999. [Links]
30. Soares, Guido Fernando Silvo, "As ONGs e o direito internacional do meio ambiente", in Milaré, Edis and Machado, Paulo Affonso Leme (cords.), *Doutrinas Essenciais: Direito Ambiental*, São Paulo, Revista dos Tribunais, 2011. [Links]
31. The Rome Statute , (PDF). Archived (PDF) from the original on 18 March 2018. Retrieved 20 March 2016.
32. Türkelli, Gamze Erdem and Vandehole, Wouter, "The Convention on the Rights of the Child: Repertoires of NGO Participation", *Human Rights Law Review*, vol. 12, issue 1, 2012. [Links]